



## نهضت آزادی ایران

۱۳۴۰

### وفاق ملی، راهبرد تقابل با بحران‌ها

بسمه تعالی

واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا

عملیات تروریستی ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ توسط پنج تن با هویت ایرانی در آرامگاه بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و ساختمان اداری مجلس شورای اسلامی که ۱۷ شهید و بیش از ۵۰ مجروح در پی داشت و گروه منفور داعش مسئولیت آن را بر عهده گرفت، موجب تأسف و تألم عموم ایرانیان شد.

**نهضت آزادی ایران** ضمن محکوم کردن این عملیات تروریستی و هرگونه افراط و خشونت، به مردم ایران به خصوص خانواده‌های قربانیان این فاجعه تسلیت گفته و برای مجروحان، آرزوی بهبود و سلامتی داشته و از مسئولان امنیت کشور برای واکنش به موقع، سپاسگزاری کرده و به سهم خویش در خصوص ریشه‌ها و زمینه‌های این رخداد تروریستی و راهکارهای پیشگیری از وقوع و تداوم چنین اقداماتی، نکاتی را یادآوری می‌کند.

سوابق درخشان اقوام ایرانی و به ویژه کردها در ابراز هویت خویش و وطن‌دوستی و همراهی گسترده و فعال با جنبش‌های ملی و دمکراتیک یک صد سال اخیر، صیانت از مرزهای این سرزمین و دفاع از حاکمیت قانون و حقوق ملت و فداکاری برای امنیت و صلح در ایران در طول سده‌های متمادی؛ حقیقتی است انکارناشدنی. وقوع چنین عملیاتی توسط معدودی از شهروندان مسلمان کرد ایرانی، در شرایطی که نخبگان و نهادهای رسمی و مدنی هم‌وطنان اهل تسنن و کرد، همگام و هم‌زمان با سایر ایرانیان، آن را محکوم کرده و عمدتاً با شرکت فراگیر در دوره‌های گوناگون انتخابات، به رغم گلایه‌های جدی که از وضعیت جاری خود داشته‌اند، از توسعه جامعه مدنی و گفتمان اصلاحات حمایت کرده‌اند؛ پدیده‌ای است که ضرورت دارد مورد واکاوی قرار گیرد.

بنیادگرایی دینی و شیوع جریان سلفی / تکفیری به رغم ظاهر مذهبی و عقیدتی‌اش، پدیده‌ای است کاملاً سیاسی، اقتصادی و فرهنگی که افزون بر توسعه‌نیافتگی و تبعیض و نابرابری‌های گسترده اجتماعی و اقتصادی و سیاسی، از یک سو ریشه در شیوه‌های حکمرانی غیردمکراتیک داشته و از سوی دیگر، در احساس برانگیخته شده و حقارت در جهان اسلام و فرصت‌های ناشی از جهانی شدن اقتصاد و سیاست نهادهای مالی و امنیتی برخی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس ریشه دارد که با فرصت‌طلبی حاکمان عرب از شرایط ناشی از اشغال افغانستان توسط ارتش سرخ و سیاست‌های توسعه‌طلبانه کشورهای غربی و به ویژه آمریکا پس از تحولات نظامی جنگ اول خلیج فارس در دهه ۱۹۹۰ میلادی، امواجی از ناامنی و خشونت را در خاورمیانه رقم زده است و متأسفانه در سالیان اخیر با سرمایه‌گذاری گسترده برخی از کشورهای منطقه در مناطق فقیرنشین غربی، جنوبی و شرقی کشور، معدودی از جوانان سرزمین ما با چنین افکار افراطی و انحرافی چنان شستشوی مغزی شده‌اند که آماده کشتن هموطنان و فدا کردن جان خویش شده‌اند.

اینک بیش از محکومیت این رخداد، جا دارد نقش و مسئولیت جمعی خویش را در بروز این وضعیت ناهنجار و جبران و درمان آن جستجو کنیم و به یادآوریم که همان‌گونه که در دهه ۶۰، جنگ قدرت چنین تجربه تلخی را در ذهنیت جامعه ما بر جای گذارد و با ادبیات به ظاهر دینی، به ایجاد فضای سرکوب پرداخته شد و پاسخ خشونت‌آمیز به خشونت، به بازتولید فضای کینه و درگیری و رشد و تداوم فزاینده خصومت‌ها منجر شد، امروز کشورهای بیگانه با تقویت و پشتیبانی همه‌جانبه از گروه‌های افراطی تکفیری و با بهره‌گیری از خوانش‌های جهت‌دار غیرانسانی و غیرعقلانی از اصول مذهبی و ترویج آموزه‌های انحرافی از معارف اسلامی، چنین روندی را در منطقه و در کشور ما رقم زده‌اند.

در این پدیده، عوامل اجتماعی مختلفی تأثیرگذار بوده‌اند؛ اما به نظر می‌رسد در وهله اول، برخی تبعیض‌های رایج قومی و مذهبی که خلاف اصول صریح قانون اساسی و نقض حقوق شهروندی به شمار می‌آیند، زمینه‌ساز کم‌رنگ شدن تعلقات ملی و جذب این جوانان توسط گروه‌های افراطی تکفیری و جنایت‌پیشه از قبیل داعش شده باشد. به علاوه واقعیت‌های انکارناپذیری مانند نارسایی‌های عمرانی، فقدان آموزش، آمار بیکاری و فقر بالاتر از حد متعارف در برخی نقاط کشور و سیاست‌گذاری‌های آگاهانه و تعمدی در راستای نادیده گرفتن مطالبات، گرایش‌ها و هویت‌های قومی و همچنین، غیر سیاسی‌سازی مردم در بسیاری از استان‌ها و مناطق غربی، جنوبی و شرقی کشور، موجبات شکل‌گیری و تشدید چنین گرایش‌هایی را فراهم آورده است.

اندیشه سلفی / تکفیری اگرچه ممکن است بتواند با بهره‌گیری از نارسایی‌های داخلی و شرایط منطقه‌ای و جهانی به فریب تعدادی از افراد دست یابد، اما به دلیل قدمت و حضور طولانی جریان روشن‌فکری در ایران، موفق نبوده و فاقد پایگاه گسترده اجتماعی است و حتی در برخی استان‌های مرزی کشور از اقبال عمومی برخوردار نیست. به همین جهت، **نهضت آزادی ایران** ضمن دعوت به هوشیاری، اعلام می‌دارد که نباید نسبت به عملکرد این فرقه

تروریستی بزرگنمایی و آن را در قالب جریانی قومی یا مذهبی ارزیابی کرد. همچنین در مقام نگرانی جدی پیرامون پیامدهای احتمالی این حادثه که می‌تواند ابعاد موفقیت‌آمیز انتخابات اخیر ریاست جمهوری را تحت‌الشعاع قرار دهد و به پیشبرد دمکراسی در ایران آسیب برساند، هشدار می‌دهد که مبادا وقوع این عملیات تروریستی به جای پاسخ‌گویی مسئولانه و رفع عوامل واقعی و مرتبط با آن، به ایجاد فضای امنیتی در کشور منجر شود! لذا توصیه می‌نماید که برای مقابله با چنین وضعیتی، ضروری است که علاوه بر بازطراحی سیاست‌های کلان نظام در عرصه سیاست خارجی و تلاش در راستای روابط حسنه و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز با همسایگان، با همفکری و همدلی همه مسئولان کشور برای تأمین حقوق و آزادی‌های مؤکد و مکرر مردم که در قانون اساسی جمهوری اسلامی تصریح شده است و تقویت پیوندهای ملی و رفع تبعیض‌های قومی و مذهبی، برنامه‌ریزی و اقدامات جدی‌تری انجام پذیرد.

در عین حال برای رفع مشکلات فرهنگی و معیشتی، ضروری است علاوه بر نهادهای دولتی و هماهنگ با آن‌ها، زمینه لازم برای توسعه نهادهای مدنی و تشکل‌های مردم‌نهاد (سمن‌ها) و اقدامات مردمی در استانهای مرزی و سایر مناطق کشور فراهم شود. مجموعه این اقدامات می‌تواند در آینده از این پدیده شوم - که به رغم علقه‌های ملی و وطن‌دوستی که در فرهنگ همه ایرانیان، مستقل از دیدگاه‌های سیاسی، قومیتی و مذهبی وجود دارد - جلوگیری کند و ریشه‌های چنین عضوگیری‌هایی را مهار کرده و بخشکاند. به عبارت دیگر، توسعه سیاسی و ارتقای وضعیت حاکمیت قانون و حقوق ملت می‌تواند در کاهش این مشکلات و برآورده ساختن بخش عظیمی از مطالبات اقوام موثر باشد و از همین حیث است که امروز بیش از هر زمان دیگر، دستیابی به آزادی و تقویت فرآیند دمکراسی و حقوق بشر به نیاز اساسی و راهبردی ملت ایران بدل شده است. تردیدی نیست که بدون رعایت شاخص‌های آزادی، نه تنها دستیابی به عدالت اجتماعی و استقلال که حتی امنیت هم ممکن به نظر نمی‌رسد.

در شرایط کنونی که دولت جدید آمریکا با همکاری حکومت ضد حقوق بشری اسراییل و برخی از کشورهای عربی منطقه علیه جمهوری اسلامی برنامه‌ریزی کرده و امنیت ملی را هدف قرار داده‌اند؛ تدبیر و عقلانیت حکم می‌کند که همه مسئولان و گروه‌های اجتماعی، از مطرح کردن مسائل و موضوعات تفرقه‌افکنانه و خشونت‌ورزانه خودداری کنند و همه در چارچوب قانون، با وحدت و همدلی، به رفع مشکلات به ویژه در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی و معیشتی مردم در مناطق محروم کشور همت گمارند.

در پایان، در این ایام ماه مبارک رمضان و در آستانه شهادت امام علی (ع) به خلاصه شعری حکیمانه که منتسب به اوست و توصیف وضعیت جامعه ماست اشاره می‌کنیم که می‌فرماید: "دواؤک فیک ولا تبصر و داؤک منک و ماتشعر". دواؤک تو در خود تو ست و آن را نمی‌بینی و درد تو از خود تو ست و توان درک و شناخت آن را نداری. دردهای جهان اسلام و شیوع باورهای انحرافی و ضدتوسعه در این سرزمین‌ها در درجه نخست، ریشه در رفتار و کردار ما مسلمانان دارد و درمان آن هم در اختیار خود ماست. واعتبروا یا اولوالابصار.

دکتر ابراهیم یزدی

دبیر کل نهضت آزادی ایران

۲۲ خرداد ۱۳۹۶